

حیات معنوی و رویه‌ی سلوکی علامه میرزا ابوالهدی کرباسی، مشهور به کلباسی

(همراه با متن رساله‌ی سیر و سلوک ایشان)

علی کرباسی‌زاده‌ی اصفهانی^۱

بدون تردید، توصیه‌ی قرآن کریم به تزکیه و مقدم داشتن آن بر تعلیم، برای هر انسانی، به ویژه عالمان، دلیلی آشکار بر لزوم توجه به تحصیل تقوا و تهذیب اخلاق است. این توصیه‌ی آسمانی، که گفتار و کردار اهل بیت علیهم‌السلام ظهور و تجسم آن است، همواره سر لوحه‌ی عمل بزرگان دین و سیره‌ی اولیای حق بوده و هست. سیرت نیک دانشمندان پرهیزکار، بیش از هر پیام دیگر، توانسته است صلاح بیافریند؛ چنانچه در روایتی از حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «انکم لن تسعوا الناس باموالکم بل تسعوهم باخلاقکم»؛ یعنی: «با ثروت نمی‌توانید مردم را با خود همراه سازید، با اخلاق آن را انجام دهید.»

علم اخلاق از جمله دانش‌های شریف و سودمند بوده و معرفت نسبت بدان، برای نیل به کمالات انسانی لازم است، اما آراسته شدن به زیبایی‌ها و دوری‌گزیدن از زشتی‌ها، چگونه با حرف و سخن تنها به دست می‌آید؟! هشدار قرآن کریم به فراخوانی‌های ناپسند نفس اماره و توصیه‌ی این کتاب آسمانی به لزوم بهره‌گیری از

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶۶/۷۴.

ذکر و توسل، گروهی از عالمان پرهیزکار را بر آن داشت تا به روش‌های نوین در تهذیب نفس و تصفیه‌ی روح دست یازند. هر چند این روش‌ها در متن زلال کتاب و سنت و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام وجود داشت، اما گستردگی نفوذ علم اخلاق ارسطویی، توجه به آن را تا حدودی تحت الشعاع خود قرار داده بود.

شاید یکی از انگیزه‌های عرفا و اهل سلوک در توجه خاص به برنامه‌های عملی و دستورات ذکری این بود که آنها علم اخلاق مصطلح را کاملاً منطبق با اخلاق قرآنی ندانسته و یا بنیان این علم را در تهذیب اخلاق سست دیده بودند. از این رو، از بررسی علمی اخلاق و استخراج قانون‌های کلی دست کشیده و روش خاصی در تهذیب نفس و خوگیری به اخلاق نیک به کار گرفتند. آنان با توجه به سفارش‌ها و دستورالعمل‌هایی که در بین عالمان پیشین رایج بوده، از راه سیر و سلوک به تهذیب نفس پرداخته و در نزد عالمان وارسته، خود را از رذایل پاک کرده و به فضایل آراسته‌اند. این روش که آمیخته‌ای از سیره‌ی عرفا و عنایت ویژه به آیات و روایات بود، نقش مؤثر و کارایی در خودسازی و تهذیب نفس افراد داشت.

سلوک عرفانی در میان بسیاری از اهل تصوف در مذاهب مختلف شایع بوده و هست و حتی برخی از گونه‌های تصوف در جهان اسلام راه یافت که متأثر از آداب و روش‌های سلوکی قبل از اسلام مانند سلوک اورفئوسی و هندی و بین‌النهرینی و هر مسمی بوده‌اند، اما وصول به حقیقت معرفت و کمال قرب، تنها با سلوک الهی، که منحصر به عمل بر طبق فقه معصوم علیه‌السلام است، میسر می‌باشد. از این جا بود که گروهی از عارفان و عالمان شیعی - در برابر برخی از عرفایی که به جمع تصوف و تشیع پرداخته بودند - عرفان را بر مبنای باورها و روایات شیعی بنا نهادند؛ بزرگانی مانند سید بن طاوس، شهید ثانی، ابن فهد حلّی، شیخ بهایی، میرداماد و مولی محمد تقی مجلسی از این گروه بوده‌اند.

در این بین، آقا محمد بیدآبادی، فقیه متشرع و حکیم متأله نامدار قرن دوازدهم هجری، نخستین بار، راه نوری در طریق سیر و سلوک و عرفان عملی بنا نهاد. او با

تأسیس عرفان شرعی شیعی و بنا نهادن قواعد سلوک متشرعانه، توانست جان‌های پاک و روان‌های مستعد بسیاری را به فعلیت برساند و به تدریج رویه‌ی سلوکی او در شهرهای کوچک و بزرگ و بلاد ایران و عراق، پیروان بسیاری پیدا کرد.

اساس این مکتب بر عمل قرار دارد و دیدگاه‌های آن، تجربی و عملی و محور آن، «دستورالعمل» - و نه آگاهی از فضایل و رذایل - است. در این طریق، همه کس به شاگردی پذیرفته نمی‌شود، بلکه تنها کسانی که پایداری کافی در پیمودن طریق دارند، به آن راه پیدا می‌کنند. در عین حال، افرادی که در این مکتب تربیت شده و حیات معنوی می‌یابند، هر کدام، هدایت‌گرا مت و پیشوایان روحانی ملتند.

یکی از فقیهان اهل سلوک و عارفان متشرع، مرحوم آیه‌الله علامه حاج میرزا کمال‌الدین، معروف به میرزا ابوالهدی کرباسی، است. ایشان، علاوه بر این که فقیه اصولی محقق، متکلمی متبحر، ریاضی‌دان و نجومی زبردست و به ویژه در علم رجال، وحید عصر و از نوادر دانشمندان امامیه بود، در زهد و تقوا و تهذیب نفس و پاکی روح نیز فرید دوران به شمار می‌رفت.



میرزا ابوالهدی کرباسی و میرزا جمال‌الدین کرباسی

(۱۲۷۸ - ۱۳۵۶ ق.) (۱۲۷۳ - ۱۳۵۰ ق.)

ابوالهدی با همّتی بلند، اراده‌ای استوار و تلاشی بی‌امان، دانش‌های معقول و منقول را با سفینه‌ی تزکیه، تقوا و مراقبت دایمی درنوردید. اوج سهمگین هواهای نفسانی را با استعانت از شب‌زنده‌داری و ترنم‌های عاشقانه سحری در هم شکست و غوک‌های هوس را با کمک از ذکر مدام و توفیق الهی، بر درگاه وصال حق سر بُرید.

با این‌که علوم رسمی حوزوی را با دقت تمام نزد اساتید بزرگی مانند آیات عظام: میرزا ابوالمعالی کرباسی، میر سید محمد هاشم چهارسویی، شیخ محمدباقر نجفی، صاحب کفایه و صاحب عروة خوانده بود و به مراتب بالایی از علم و فضل و اجتهاد دست یافته بود،^۱ اما عشقی دیگر در سر و رازی والا در دل داشت. جان جهان‌بین او در این سرای محدود نمی‌گنجید و علوم رسمی، خواسته‌های آن سویی او را بر نمی‌تابید؛ او پیوستن به جان جهان و بقای ابدی را می‌جست.

اوصاف ملکوتی و فضایل اخلاقی جدّ امجدش، حاجی کرباسی، و نیز زهد و تقوای پدرش، ابوالمعالی، و احتیاط فوق‌العاده و مناجات‌های شبانه‌ی او، وی را بر ادامه‌ی این راه تحریض می‌نمود، به طوری که ثانی پدر و ثالث جدش به شمار رفت. پدر وی میرزا ابوالمعالی، همان بزرگ مردی است که اندکی پیش از وفاتش، به هنگام تعقیبات نماز، ندایی از عالم غیب شنید که: «خانه‌ی تو در بهشت، آماده و مهیاست».^۲

علاوه بر تأثیر شگرفی که روحیات و احوال معنوی پدر علامه‌اش بر او داشت، برخی از بزرگان و اولیای الهی نیز در به فعلیت رساندن گوهر پاک و جودی‌اش، مؤثر بوده‌اند که از جمله‌ی آنها می‌توان به حضرات آیات: حاج ملا علی محمد نجف آبادی و حاج محمد جواد سرجویی بیدآبادی اشاره کرد.

۱. گفتنی است که میرزا ابوالهدی، علاوه بر اکثر اساتید نامبرده، از بزرگانی مانند ملا علی محمد نجف‌آبادی و میر سید حسن صدر کاظمینی نیز روایت می‌کند.

۲. البدر التمام، ص ۲۹.

در احوال ملا علی محمد نجف آبادی (حدود ۱۲۵۰-۱۳۳۲ هـ ق) - که از مشاهیر فقها و حکما و مدرسین بود - آورده‌اند که جز در دو روز حرام عیدین، تمام سال را روزه‌دار بود و در شبانه روز جز یک بار نمی‌خورد و پیوسته در حال ذکر و مراقبه به سر می‌برد. از اساتید و مشایخ او می‌توان به: آخوند کاشی، جهانگیر قشقایی، ابوالمعالی کرباسی، میرزای شیرازی مجدد، میر سیدعلی شوشتری و حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی، و از شاگردان یا راویان از او می‌توان به: شیخ محمد حسین کمپانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، میرزا ابوالهدی کرباسی، شیخ محمد حسین بحرانی و سید شهاب الدین مرعشی اشاره کرد.^۱

حاج محمد جواد بیدآبادی (حدود ۱۲۵۰-۱۳۴۴ هـ ق) نیز از بزرگان عرفا و اهل سیر و سلوک، صاحب اذکار و اوراد شرعیّه و برخوردار از نفس قدسی بود و بسیاری از علما به او ارادت می‌ورزیده‌اند. کرامات و خوارق عادات بسیاری از این عارف سالک نقل شده که برخی از آنها ثبت و چاپ شده است. با این که آثار تدوینی از او در دست نیست، اما آثار تکوینی و تربیت‌یافتگانش در گوشه و کنار فراوانند و مریدان مخفی بسیاری در شهرهای مختلف ایران و عراق داشته است. او با یاری جستن از قلم اعلیٰ بر لوح جان‌ها، دل‌ها را رقم می‌زد و روح و باطن شاگردان خویش را به امر ولایت کبری پیوند می‌داد. به جای این که معارف را در جان‌های آغشته به دنیا بریزد و حجاب ظلمات نفس آنان را با اصطلاحات و دانش‌های مرسوم زمان، غلیظتر و سخت‌تر کند، رفع حُجب می‌کرد و با نشان دادن آیات الهی و انفسی، آنان را از این خاک‌دان به باطن و ملکوت عالم عروج می‌داد. از جمله تربیت‌یافتگان به دست وی، حضرات آیات: حاج ملاحسینعلی صدیقین، حاج ملاحسنعلی نخودکی اصفهانی، حاج ملا محمد هورتمنی، شیخ عباسعلی کیوان قزوینی، شیخ ابوطالب شیخ‌الاسلام، سید زین العابدین ابرقویی طباطبایی، شیخ محمدباقر شیخ‌الاسلام، سید محمدصادق کتابی، سید محمد رضوی، میرزا ابراهیم محلاتی و نجم‌الشریعه (فاضل

۱. بنگرید به: نقباء البشر، صص ۱۶۲۲-۱۶۲۳؛ الاجازه الکبیره، صص ۱۱۶-۱۱۷.

از عبارات و نوشته‌های میرزا ابوالهدی معلوم می‌شود که ایشان نیز از ارادتمندان به حاج ملا محمدجواد بیدآبادی و از عمل‌کنندگان به دستورات ذکر می‌معمم له بوده است. در بعضی از یادداشت‌های مرحوم ابوالهدی، حکایات و کراماتی نیز از حاج محمد جواد آمده است که دو نمونه از آنها را در این جا نقل می‌نماییم:

«شخصی نقل نمود از عارف کامل حاجی محمودجواد که گفته بودند روزی به جهت شخصی وساطت نمودم، که به ظاهر قابلیت وساطت نداشت، شب در عالم رؤیا حضرت صدیقه‌ی کبری (علیها السلام) را دیدم، فرمودند که: «وساطت برای گراز نکن.»

«چنانچه شخص مذکور نقل نمود از شخص طباحی که زمانی، روزها از نزد حاجی محمد جواد می‌آمدند و بریان از من می‌گرفتند. روزی قبل از ظهر خوابیدم، وقتی که بیدار شدم، معلوم شد که احتلام عارض شده و در این حال آمدم مشغول به کار شدم و در این اثنا از جانب حاجی آمد بریان گرفت و رفت. دیدم برگشت و بریان را آورد و حاجی [آن را] رد کرده بودند.»^۱

میرزا ابوالهدی همانند حاج محمد جواد سرجویی بیدآبادی و حاج ملاعلی محمد نجف آبادی، از عارفان سالک و فقیهان زاهدی بوده‌اند که به شیوه‌ی آقا محمد بیدآبادی و دیگر سالکان متشرع، مراقبت به انجام همه‌ی واجبات و مستحبات و ترک تمام محرّمات و مکروهات را راه وصول به حقیقت دینی می‌دانند. به گفته‌ی فقیه عارف والا مقام شیعی، ملاحسینقلی همدانی:

«... لا طریق الی القرب الا بشرع شریف فی کلی و جزئی.»^۲

نکته‌ی جالب توجه این است که بنابر شواهدی چند می‌توان حاج محمدجواد سرجویی و حاج ملاعلی محمد نجف آبادی را از پیروان طریقه‌ی سلوکی آقا محمد بیدآبادی به شمار آورد:

۱. نسخه‌ی بیاض میرزا ابوالهدی، ص ۸۲

۲. تذکره المتقین، ص ۱۹۶.

۱. مرحوم آیة الله مرعشی نجفی در بیان سند یکی از ادعیهی منقول از حضرت امام صادق علیه السلام، این دعای شریف را از شیخ اجازهی خود مرحوم نجف آبادی و ایشان نیز با سه واسطه از آقا محمد بیدآبادی نقل کرده اند. به این ترتیب که ملاعلی محمد نجف آبادی از طریق میرسیدعلی شوشتری و ایشان به واسطهی نوادهی آقا محمد بیدآبادی و وی از طریق فرزند آقا محمد به آقا محمد بیدآبادی متصل اند.^۱



تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی کرباسی واقع در تخت فولاد اصفهان

۲. مرحوم حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی که از تربیت یافتگان و مریدان حاج محمدجواد بیدآبادی است، حاج محمد جواد را از پیروان طریقه‌ی سلوکی آقا محمد بیدآبادی معرفی کرده است.^۱

۳. از دیگر مشایخ ملاعلی محمد نجف آبادی، فقیه عارف سالک، مرحوم ملا فتحعلی سلطان آبادی بوده است. مرحوم سلطان آبادی از پیروان سلوکی ملاحسینقلی همدانی^۲ و در هر حال یکی از عرفای مکتب عرفانی نجف اشرف به شمار می‌رود.

در جای خود به چند طریق، سلسله‌ی اتصال عرفای نجف به آقا محمد بیدآبادی مطرح شده است^۳، چنانچه از فقیه حکیم عارف، حاج سید کاظم عصار، نقل شده است که حاج سید احمد کربلایی، جانشین ملاحسینقلی همدانی، سلسله‌ی خویش را با عارف بلاتین، مرجع ارباب یقین، آقا محمد بیدآبادی درست می‌گرداند.

ناگفته نماند که در برخی از نوشته‌ها، حاج محمد جواد سرجویی بیدآبادی را از مشایخ سلسله‌ی ذهبیه به شمار آورده‌اند^۴. همان طور که مریدش حاج حسنعلی نخودکی را قطب سلسله‌ی چشتیه ذکر کرده‌اند^۵ و همچنان که پیش از این دو، حکیم عارف و فقیه نامی آقا محمد بیدآبادی را قطب سلسله‌ی ذهبیه نامیده بوده‌اند^۶. اما برای هیچ کدام از این گفته‌ها سند و مدرکی ارائه نشده و این گونه اقوال بیشتر از ناحیه‌ی ارادتمندان و پیروان سلسله‌های صوفیه‌ی مذکور مطرح می‌شود. نگارنده

۱. راز گشا، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۶.

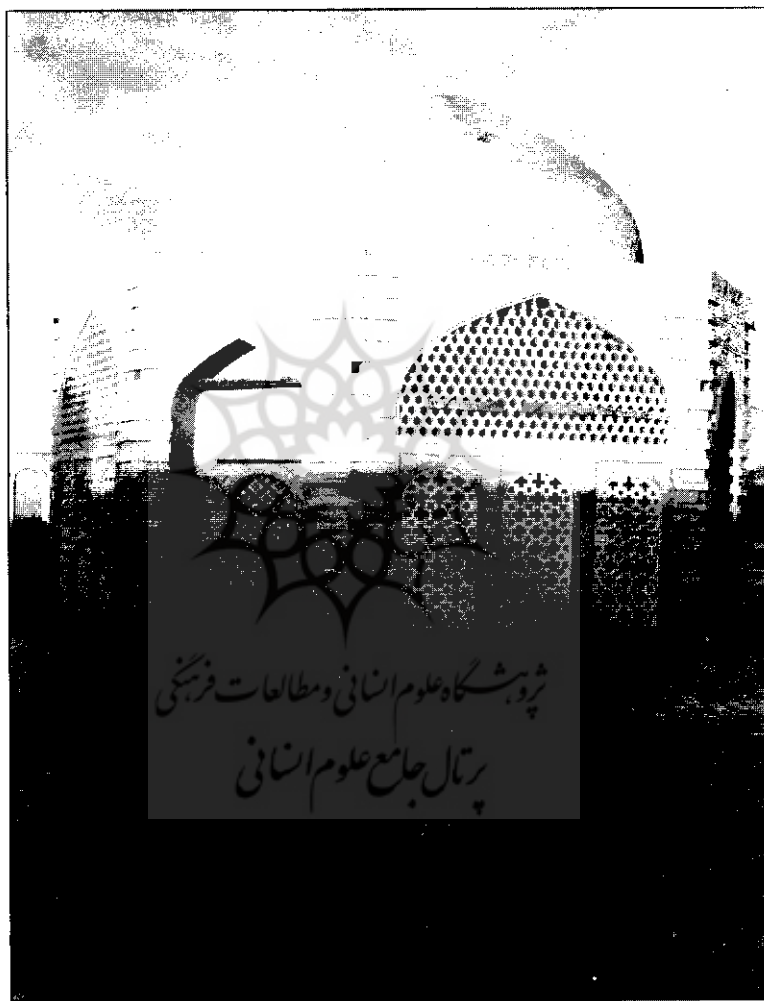
۳. بنگرید به: حکیم مثاله بیدآبادی، صص ۱۹۸-۲۲۷.

۴. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۴۳.

۵. سیری در تصوف، ص ۸۹.

۶. در کرسی‌نامه ریاض السیاحه، از سید قطب الدین نیریزی به آقا محمد بیدآبادی و از وی به صدرالدین دزفولی، شعبه جدا کرده و این شعبه را یکی از شاخه‌های سلسله‌ی ذهبیه قلمداد کرده است.

خود به یاد دارد که چگونه سلسله‌ی ذهبیه در دوران اخیر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد باقر صدیقین - فرزند مرحوم آیه‌الله حاج شیخ حسینعلی صدیقین - را شیخ خود می‌دانستند و حال آن‌که آن مرحوم نه ادعایی در این خصوص داشت و نه هیچ گاه سخنی از آن به میان آورد.



بقعه‌ی میرزا ابوالمعالی کرباسی که قبر وی و فرزندانش: میرزا جمال الدین و میرزا ابوالهدی و جمعی از علمای دیگر در آن واقع شده است.

همان طور که پیشتر نیز گفته شد، میرزا ابوالهدی، همچون پدر بزرگوار و مشایخ

سلوکی اش، پیوسته به او را و اذکار اشتغال داشت و اغلب ایام سال روزه دار بود و شب‌ها را به عبادت و مناجات به سر می‌برد. به رفت و آمد و معاشرت با مردم علاقه‌ای نداشت و اکثر عمر خود را در خانه می‌گذراند و علاوه بر امور عبادی، به شدت سرگرم تألیف و تصنیف بود. نگارنده در رساله‌ی جداگانه‌ای نام نزدیک به هشتاد رساله، کتاب و حاشیه‌ی ایشان را آورده که با توجه به کثرت عبادات و روزه‌داری‌ها و نیز تدریس و تربیت طلاب از سوی او، امری خارق‌العاده و شگفت به نظر می‌آید.^۱

بزرگانی مانند حضرات آیات: حاج سید حسین بروجردی، آقا سید شهاب‌الدین مرعشی، شیخ احمد فیاض، سید حسن خراسانی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ هبه‌الله هرنندی، شیخ ذبیح‌الله محلاتی و سید محمد حسین مهدوی از شاگردان یا روایت‌کنندگان از او به شمار می‌روند.

طهارت نفس و عظمت روح او تا بدانجا بوده که بزرگان وقت، او را به غایت ستوده و کلماتی بزرگ در وصفش گفته‌اند. آیه‌الله بروجردی، او و برادرش را سلمان و اباذر وقت دانسته و در جای دیگری از میرزا ابوالهدی به عالمی ربانی و خالی از هوای نفسانی تعبیر فرموده است.^۲ آیه‌الله حاج آقا رحیم ارباب، فرموده است که این دو برادر (جمال‌الدین و کمال‌الدین ابوالهدی) به ملک اشبه‌اند تا به انسان.^۳

پیروی دقیق از کتاب و سنت و انجام ریاضات شرعی، از او موجودی ملکوتی ساخته بود که با جسمی به ظاهر نحیف، روحی بلند مرتبه داشت و مکاشفات و کرامات بسیاری از او به وقوع پیوست. با ذکر چند تجربه‌ی شخصی و مکاشفات روحی که به قلم و خط شریفش ثبت فرموده است، رساله‌ی سیر و سلوک معظم‌له را

۱. سه اثر از تألیفات ایشان تاکنون چاپ شده است: *البدر التمام* (در شرح احوال پدر و جد و الامقام)، *سماء المقال* (در علم رجال و در دو مجلد) و *التحفة الی سلالة النبوة* (اجازه‌ی روایتی علامه‌ی کرباسی به آیه‌الله مرعشی رحمته).

۲. مجله‌ی حوزه، ش ۸۳، ص ۳۶؛ مقدمه‌ی *سماء المقال*، ج ۱، ص ۳۹.

۳. مجله‌ی حوزه، ش ۱۸، ص ۳۶.

کثیراً به تجربه به حقیر رسیده که تهجد شب، اسباب خیری و وسعتی [می‌گردد] حاصل قریب به ظهر بود مشغول مطالعه [بودم] شخصی آمد و ظرف بزرگی از قوت در مقابل حقیر گذاشت؛ بعد از قلیل از زمانی سر را بلند نمودم که قدری از آن میل نمایم، به قلبم خطور کرد که این، تأثیر آن مطلب است؛ چون خواستم فی‌الجمله مشغول شوم در مقابل، جمله‌ای از کتب، من جمله قرآن بود، برداشتم که بگذارم در محلی، بی‌اختیار قرآن باز کردم، نظرم افتاد به این آیه: «... و ان کُلُّ ذَلِكْ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»^۱.

ندای غیبی

ابوالهدی در آغاز یکی از کتب خویش به خط خود چنین می‌نویسد:
 «أنتی سمعت فی بعض احوال اشتغالی للذکر و الدعا من وراء عالم الغیب
 و لیستعدّ الانسان لطریق الرحمن»^۲.

دعوت شده‌ی به بهشت

فرزند میرزا ابوالهدی، مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد کلباسی (۱۳۰۴ - ۱۳۸۲ هـ ش.) می‌فرماید:

در یکی از شب‌های تابستان، با این که حال عمومی پدرم رو به ضعف و ناتوانی بود، اما در آن شب او را مسرور و خوشحال، بدون سستی و ضعف دیدم. پدرم خود فرمود: پس از نماز مغرب نیاز به تطهیر و گرفتن وضو پیدا کردم، اما به خاطر ضعف کمی استراحت کردم. پس از

۱. زخرف / ۳۵.

۲. نسخه بیاض میرزا ابوالهدی، ص ۱۵۹.

۳. سماء المقال، مقدمه، ص ۳۹.

مدتی که نماز عشایم را هنوز نخوانده بودم، صدای واضح روشن و صریحی شنیدم که می‌گفت: «کسی که موعود به جنّات عدن است نباید در نماز مساهله نماید.»^۱

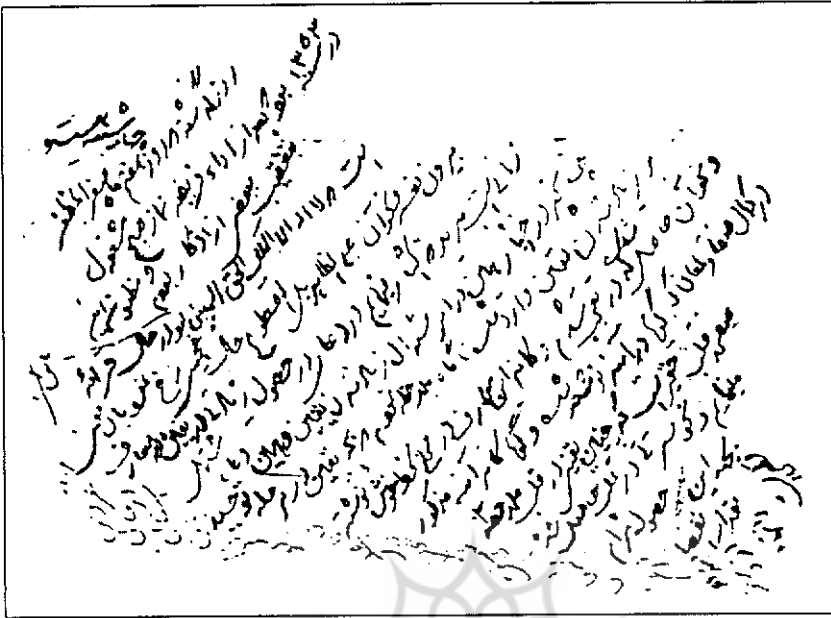
تجلی معارف توحیدی و نیل به مرتبه‌ی یقین

مرحوم ابوالهدی مدتی برای این که در معارف، یقین بیشتر پیدا کند و ببیند آیا دارای مقام توحید هست یا نه، به پیشگاه خدا تضرع نموده و در حین خواندن برخی از اذکار، مکاشفه‌ای عجیب برایش رخ می‌دهد:

«روز گذشته که روز چهارشنبه بیست و هفتم ماه صفرالمظفر بود، بعد از ادای فریضه‌ی نماز صبح مشغول تعقیب به بعضی از اذکار بودم و مضمون این است که «لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» بود، در حال قرائت بیرون نعسه و نحو آن علی الظاهر بل المقطوع حال عجیبی رخ نمود به این معنی؛ زمانی است مدیده که اکتار می‌نمایم در دعای در حصول زیارتی در یقین در معارف؛ چنانچه در اخبار. همین در امر سؤال زیاد شدن یقین و همین دعا مشتمل بر زیاد شدن یقین وارد شده. ناگاه ملاحظه نمودم که حدّ یقین در مرحله‌ی توحید و نحو آن حاصل شده که در تعجب شدم و کانه این معارف از محلی به خط خوش در کمال صفا و لَمَعَان نوشته شده که گویا در آینه نوشته‌اند و گویا کانه آینه‌ی مذکور، صفحه‌ی قلب حقیر است که چنین یقینی در قلب ملاحظه می‌نمایم و نحو مسرتی در قلب حاصل شده. به جهت این حصول مرام قطعی است...»^۲

۱. سماء المقال، مقدمه، صص ۳۹-۴۰.

۲. یادداشت‌های شخصی میرزاالهدی.



مکاشفه‌ای از میرزا ابوالهدی در آثار اذکار به خط معظم‌له

علامه میرزا ابوالهدی کرباسی، در رساله‌ای که پیش رو دارید، کلیه مطالب را با واسطه یا بدون واسطه از عارف کامل مرحوم حاجی محمد جواد بیدآبادی نقل کرده است که حاوی نکات ارزشمند و شایان توجهی است.

متن رساله‌ی سیر و سلوک میرزا ابوالهدی کرباسی

«بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و الصلوة على أشرف المرسلين و اله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم أجمعين.

سالک مسلک زهد و سداد، حاجی محمد جواد، اصرار به اربعین صباح و خلوص نیت در جمیع حرکات و سکنات لله تعالی عزوجل و مراقبه و محاسبه نمودند و نقل کردند که مدتی در دهن، ریگ گذاردم

که کلمه [ای] صادر به غیر رضای حق عزوجل نشود.

و نقل نمودند از حجة الاسلام میرزای شیرازی «طاب رمسه» که فرمود: یا حاجی، سجده‌ی طویله را در وقت سحر ترک مکن. حقیر می‌گویم که آثار عجیبه دارد و شیخ خراسانی^۱ فرمود که اگر در این سجده‌ی طویله، ذکر مبارک یونسی^۲ هفتصد و سی مرتبه بگوید از جمله آثارش توسعه‌ی رزق است و اثری فوری دارد؛ و هزار مرتبه گفتن را بعضی از اهل حال فرموده‌اند.

و ایضاً حاجی سابق الذکر^۳ فرمود که نورانیت زیاد حاصل می‌شود از سه هزار مرتبه ذکر مبارک «لااله الاالله» در بین العشائین^۴، و العیان دیده‌ام.

و ایضاً فرمود به واسطه که روزی هزار مرتبه استغفار خوب است بعد از غسل توبه؛ و مواظبت نوافل کند و احیاء از وقت نصف شب تا طلوع آفتاب، خیلی مجرب است و کذا احیاء بین العشائین.

و فرمود ایضاً که خودم نوری و تجلی دیدم در وقت دخول مرحوم حاجی مُلاً علی بن حاجی میر خلیل از ایشان در سرداب مقدس در سامره و دیگران هم دیده‌اند و سویق خوردن و برنج بی‌نمک بی‌روغن در ریاضت نقل کرد و فرمود که نسخه‌ای سیفی^۵ که از آقا میر سید

۱. ظاهراً مراد ایشان، استادشان آخوند خراسانی بوده است.

۲. ذکر شریف «سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

۳. حاج محمد جواد بیدآبادی.

۴. یعنی بین نماز مغرب و عشا.

۵. از دعا‌های مشهور و مؤثر برای دفع دشمن و مصونیت از شرّ بدخواهان، دعای سیفی است که به حرز یمانی نیز معروف است. ظاهراً وجه تسمیه‌ی این دعا به سیفی، از جهت سرعت تأثیر و قاطعیت کامل آن می‌باشد که همچون شمشیر نافذ است. این دعا به چند طریق از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده و نسخه‌های مختلفی دارد که در کتب ادعیه آمده است. (ر.ک: مهج الدعوات، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۵۳/۹۵ و ۶۷/۵۲؛ الذریعه، ج ۳۹۴/۶).

محمد اخباری است فعلاً نزد اولاد او در سموات است و نزد بعضی اخباریین که منسوب به میر سید احمد اخباری‌اند در کربلای معلی «زاده الله تعالی شرفاً» پیدا می‌شود.

و فرمود که والد مجلسی «علیه الرّحمة» فرمود: شاگردی داشتم که در وقت سفر حجاز او پیاده بود و هر قدر خواستند او را سوار کنند راضی نشد و معلوم شد که در هوا حرکت می‌نماید و او مشاهده کرد. و فرمود که والد مجلسی مرحوم خواب دید سید انبیاء علیهم السلام را و عرض نمود که طریقی بفرما، به او فرمودند: طریقی که در دست داری خوب است و طریق او، مجاهده و سیر و سلوک بود.

و فرمود به واسطه که توجّهت را زیاد به حضرت امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار بده و استمداد از برکات او بنما. و فرمود کسی که در درجه‌ی اول ایمان است لابد منکر درجات دیگران است. [پس] باید دست او را گرفت و بالا برد به تقوا و پرهیزکاری.

و فرمود که خودم در وقت عبادت و توجّه، نورانی‌تی در اطراف من پیدا می‌شد و اطفال خانه دور من جمع می‌شدند و آنس به آنوار می‌گرفتند.

و فرمود که جماعتی را مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی منقلب کرد وقتی [هنگامی که] کسی در کاظمین علیه السلام به دستورالعمل مرحوم آخوند مشغول به ذکر مبارک یونسی و شیاطین زیاد دور او دیده که جمع شده، در باطن مرحوم آخوند را دیده که شیاطین را دور کرده و مزید اخلاص او شد.

و فرمود که کسی از بزرگان فرموده و اشاره کرده به سقف که این عنکبوت که اضعف مخلوق خداوند است و خانه‌ی او ضرب‌المثل

است، رزق او را خداوند بی چون و مگس بال دار قرار داده است.

و فرمود که سامره دیدم در حرم مطهر مبارک که به تعجیل از حرم بیرون آمد و به دست کسی که در سامره مشغول زیارت بود دادند و او مدتی یا اربعینی مشغول زیارت و ریاضت بود.^۱

و فرمود از حاجی میرزا حسین نوری «اعلی الله تعالی مقامه» که فرمودند: قطب راوندی نقل کرده که اموات در وقت بین الطلوعین مطلع به قبر خود می شوند و مُشرف. در این وقت زیارت ایشان خوب است و در وقت شب زیارت نکنید اموات را که در وادی السّلام یا وادی برهوت می باشند و اشراف بر قبر خود ندارند.

و فرمود که نزد من، مرحوم حاجی میرزا حسین نوری ربطی به ملا حسینقلی و مرحوم حاج ملافتحعلی ندارد.

و فرمود که مرحوم حاج ملاعلی حاجی میرزا خلیل فرمود که هر مجاهده کردم و از عهده برآمدم الاّ المواقعه؛ و از زهد او نقل نمودند که وقتی نفس او از او ماست خواست، از جهت دفع لذّت، او قدری سویق و قدری آب گرم کرد که لذّت نبرد و میل کرد.

و فرمود که غذای لذیذ، نورانیت علم را از آدمی سلب می کند و بسیار تأکید کردند در تحصیل غذای حلال و اجتناب از شبهات که تأثیری نام دارد در سلب توفیق و عدم بلوغ به مطالب شامخه.

و چند مرتبه فرمود و وضو گرفت و نماز خواند بعد از آن دو رکعت و گفت: مطابق روایتی که وارد است که حقیر هم دیده ام که خداوند فرمود که من استجاب می نمایم. و نقل فرمود که مرحوم شیخ مرتضی علیه السلام مبتلا به مرض اسهال بودند و قبل از احتضار مراراً در هر

۱. ظاهراً مراد نویسنده این است که مرحوم حاج ملا حسینقلی، مطلبی [برنامه یا دستور ذکر] به شخص زایر دادند و آن شخص بر اساس این دستور العمل به ریاضت پرداخت.

وقت که مُحدِّث می‌شدند وضو می‌ساختند.

و ایضاً فرمود که مرحوم حاجی ملاعلی بن حاجی میرزا خلیل فرمود که من تتبع در رجال کردم و نیافتم در اصحاب ائمه علیهم‌السلام ازهد از مرحوم شیخ بلکه او را ازهد یافتم.

و نقل فرمود ایضاً که بعضی گناهان می‌باشد که در موقف عرفات با شخص موقف آمرزیده شود و حقیر این روایت را دیده‌ام.
و فرمود ایضاً دوام وضو را، و حقیر روایت دوام وضو را خواندم در حضورش.

و ایضاً فرمود که مرحوم حاجی ملاعلی بن حاجی میرزا خلیل شخصی را شبی دعوت نمود و اطعامی کرد و آن شخص گفت که من دارای کیمیا می‌باشم و مدتی است که می‌خواهم به کسی تعلیم کنم، اهل نیافتم. فعلاً تو را اهل دیدم بر تو تعلیم می‌نمایم. یک کاسه‌ی چینی بیاور. حاجی مرحوم جواب دادند که در خانه‌ی ما کاسه‌ی چینی نمی‌باشد. گفت: از خانه‌ی همسایه بگیر. گفت: نمی‌گیرم. آن شخص بسیار متغیر شد [و] گفت: عجب است من کیمیا را می‌خواهم تعلیم نمایم، تو امتناع می‌نمایی؟ و فرمود که بسیار فحش داد و طعن به مرحوم حاجی زد و ایشان به هیچ وجه راضی نشدند در تعلّم او با کمال اصرار او.

و حکایت فرمود: در وقت تشرّف ناصرالدین شاه به عتبات چند نفری استقبال نرفتند و دیدنی سلطان ننمودند. از آن جمله، مرحوم حاجی ملاعلی نجفی بودند. شخصی از رجال دولت خدمت حاجی مرحوم رسید، اظهار دیدنی و ملاقات نمود، ایشان امتناع نمودند. در این هنگام، شخص مذکور یا دیگری به ایشان عرض کرد که پادشاه اسلام است [و] احترام او لازم است. ایشان جواب فرمودند که آیا

حضرات، علمای اسلام نمی‌باشند؟ خلاصه، در جواب ملاقات... او فرمود که خداوند «عز وجل ذکرة» چیزی به من عنایت فرموده که ابدأ احتیاج به احدی ندارم. او خیال کرد که غرض ایشان دارایی کیمیا است [لذا] در صدد تحصیل از ایشان برآمد. فرمودند: مرادم قناعت است، نه کیمیا. حقیر عرض می‌نمایم: اجاد فیما أفاد لان القناعة کنز لا یفنی.

و ایضاً فرمود که شخصی از صلحا بعد از فوت مرحوم شیخ مرتضیٰ رحمته اللہ علیہ در امر تقلید مردّد بود. در شب ماه رمضان هر شب هزار بار «أنا انزلناه» خواند تا آن که معلوم شود که مرجع تقلید و مرضیٰ امام عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» کیست. در شب قدر خبر کردند در خواب که حضرت ابراهیم علیه السلام است. چون که نگاه کرد دید که حضرت ایشان به صورت مرحوم آقای میر سید محمد حسن شیرازی است. معنی کرد بر این که ایشان مرجع‌اند. فردا به خدمت ایشان مشرف شد. ایشان حین ملاقات دست او را گرفتند و فرمودند: ان شاء الله مبارک است.

و فرمودند ایضاً که شخصی دید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عبایی بر دوشش انداختند. صبح خدمت یکی از علما رسید. بوقچه بر زمین گذاشتند و اشاره کردند، یعنی این متعلق به تو می‌باشد. آن شخص مستوحش شد. [این] حال را آن عالم بزرگوار دید، خیال کرد امتناعی دارد، به دست مبارک خود به دوش او انداخت. اعجابش بیشتر شد.^۱ از او سؤال کرد، جواب داد و تفصیل جوابش را نقل کرد.

و فرمود که باید انسان تمام حرکات و سکناش از برای خداوند

۱. ظاهراً مقصود آن است که شخص خواب بیننده که مضطرب گشته بود، بهت زده از پذیرش درخواست آن عالم بزرگ، خودداری می‌نماید و آن عالم بزرگ که امتناع او را می‌بیند سراغ او رفته و عبایش را [که افتاده بوده] بر روی دوشش می‌اندازد و لذا حیرت آن شخص بیشتر می‌شود.

عزّوجل [باشد]. باید نگاه نکند مگر از برای خداوند، و همچنین سماع و سایر قوای ظاهره و باطنه را از برای خداوند عزّوجلّ به کار برد. حقیر گوید: شاهد بر این مطلب که بعضی از اوقات در حین اشتغال به ذکر «لااله الاالله» بین العشائین، بعضی شنیدند از عالم غیب به این عبارت: «کلّ شیء لغير الله حرام». و فرمود این مطلب در بادی الحال بسیار مشکل است و لکن بعد از مدتی سهل می‌شود. و فرمود که من در مقام مجاهده بودم بنا گذاشتم که جمیع حرکات و سکونات را از برای حق تعالی نمایم حتی نظر به چیزی نمی‌کردم الاّ به رضای او و اول بسیار مشکل بود و لکن بعد از چهار روز از برای من سهل شد. حقیر عرض نمایم کثیر عزّة گفته:

فَقُلْتُ لَهَا يَا عَزَّ كُلُّ مُصِيبَةٍ إِذَا وُطِنْتُ يَوْمًا لَهَا النَّفْسُ ذَلَّتْ
و ایضاً فرموده بود مضمونش که از جمعی کرامت و خوارق عادت

۱. کثیر عزّة (از شاعران قرن دوم هجری، متوفی ۱۰۵ ق.) در این شعر، خطاب به معشوقش، عزّة، می‌گوید:

«به او گفتم: ای عزّه! (هر پیش آمدی)، هنگامی که در نفس، خانه‌زاد و جای‌گیر شد، نفس در مقابل این پیش آمد، آرام و خوار می‌شود.»
ابیات قبل و بعد این بیت چنین است:

خَلِيلِي هَذَا زَسَمَ عَزَّةً فَاغْقِلَا	قَلَوَصِيكَمَا تَمَّ أَبْكِيَا حَيْثُ حَلَّتِ
و مَا كُنْتُ أَدْرِي قَبْلَ عَزَّةً مَا الْبُكََا	و لَا مَوْجَعَاتِ الْقَلْبِ حَتَّى تَوَلَّيْتُ
فَلَيْتَ قَلَوَصِي عِنْدَ عَزَّةً قُبِدْتُ	بِحَبْلِ ضَعِيفٍ بَانَ مِنْهَا فَضَلَّتِ
و أَصْبَحَ فِي الْقَوْمِ الْمَقِيمِينَ رَحَلَهَا	و كَسَانَ لَهَا بَاغٍ سِوَايَ فَبَلَّتِ
فَقُلْتُ لَهَا يَا عَزَّ كُلُّ مُصِيبَةٍ	إِذَا وُطِنْتُ يَوْمًا لَهَا النَّفْسُ ذَلَّتِ
أَبِيئِي بِنَا أَوْ أَحْسَبِي، لَا مَلُومَةَ	لَدِينَا و لَا مَقْلِبَةَ إِنْ تَقَلَّتِ
هَنِينًا مَرِينًا غَيْرَ دَاءٍ مُخَاوِرِ	لِعَزَّةٍ مِنْ أَعْرَاضِنَا مَا اسْتَحَلَّتِ
تَمَثَّلْتُهَا حَتَّى إِذَا مَا زَأْسَتْهَا	رَأَيْتُ الْمَنَايَا سُرعًا قَدْ أَظَلَّتِ
كَأَنِّي أَنَادِي صَخْرَةَ حِينَ أَعْرَضْتُ	مِنَ الصَّمِّ لَوْ تَمَثَّلْتُ بِهَا الْعُصْمُ زَلَّتِ
صَفُوحًا فَمَا تَلْقَاكَ إِلَّا بِسَخِيلَةٍ	فَمَنْ مَلَ مِنْهَا ذَلِكَ الْوَصْلَ مَلَّتِ
أَصَابَ الرَّذَى مَنْ كَانَ يَهْوَى لِكَ الرَّذَى	و جَسْنَ اللَّوَاتِي قَلْنَ عَزَّةً جَسَّتِ

دیدم و این مطلبی است معلوم، خداوند عز و جل فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» که به «يعرفون» تفسیر شده و معلوم است که غرض از خلقت، معرفت اوست و باید معرفتش ممکن باشد و توهم از یاد [ت] نرود. و سعی کن آن چیزی [که] من دیده‌ام و دیگران، توهم می‌بینی. سعی می‌خواهد و از طریق آن باید رفت و این مطلب را فرمود بعد از آن که حقیر به او گفتم که چگونه باید راه باشد و مقدمه‌ی اربعین و خلوص آن را که اول ذکر شد. فرمود که صلوات هزار و چهارصد مرتبه برای توسعه و گشایش حال بخوانید.

و ایضاً به واسطه فرمود که چند چیز را مواظبت باید کرد: اول دوام طهارت؛ دوم توبه؛ سیم استغفار؛ چهارم دعا و طلب مغفرت؛ پنجم شکر نعمت؛ ششم صبر بر بلا.

و ایضاً به واسطه فرمود: سرپوش، زهرنوش، خاموش؛ بیا به قرب، بنشین به حرمت، بگو به حکمت، کمر ببند به خدمت، برو به همت. و ایضاً به واسطه فرمود که ذکر مبارک «یا حی یا قیوم» را سیصد و شصت مرتبه به عدد سال بخواند و هر نفس کشید این دعا را بخواند و اگر ممکن نیست و فرصت نیست، در هر صد مرتبه یک مرتبه بخواند و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ اسْتِغِيثُ، اللَّهُمَّ أَحْيِ قَلْبِي». و ایضاً فرمود به واسطه که از برای دفع وساوس نفس در وقت خواندن، انگشت را ترکند و به طرف چپ زیر پستان کلمه‌ی مبارک «لا اله الا الله» را بنویسند.

و از مرحوم حاجی ملاعلی محمد نجف آبادی نقل شد که از مرحوم حاجی سید علی شوشتری نقل کردند که فرمودند از برای حاجت، چهل و یک مرتبه بخواند در هر روز بلکه بیشتر را هم شنیدم.

آن دعا این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ رُوحِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي مَا أَشْرَكَ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا». و هر حاجت دارد الحاق نماید.»



سنگ‌قبر میرزا ابوالهدی واقع در داخل بقعه‌ی ابوالمعالی کرباسی

[میرزا ابوالهدی در حاشیه‌ی صفحه‌ی آخر، این رباعی را نیز ذکر کرده‌اند:]

ای نه دله صد دله دل یک دله کن

مهر دیگران [دگران] راز کف خود یله کن

یک شب تو به اخلاص بیا بر در ما

بر ناید اگر کام تو آن وقت [گه] گله کن

منابع:

- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ. ش.
- همدانی، ملا حسینقلی. نامه‌هایی از ملا حسینقلی در تذکره المتقین، قم: نهانندی، ۱۳۷۶ هـ. ش.
- مجله‌ی حوزه، شماره‌های ۱۸ و ۸۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۶ هـ. ش.
- کیوان قزوینی، شیخ عباسعلی. رازگشا، به اهتمام محمود عباسی، تهران، ۱۳۷۶ هـ. ش.
- کرباسی (کلباسی)، میرزا ابوالهدی. سماء المقال، ج اول، مقدمه به قلم حاج شیخ محمد کلباسی، قم: مؤسسه‌ی ولی عصر، ۱۴۱۹ هـ. ق.
- کرباسی (کلباسی)، میرزا ابوالهدی. البدر التمام، تهران، ۱۳۱۷ هـ. ش.
- کرباسی (کلباسی)، میرزا ابوالهدی. (مخطوط) نسخه‌ی بیاض.
- کرباسی (کلباسی)، میرزا ابوالهدی. (مخطوط) رساله‌ی سیر و سلوک.
- کرباسی زاده‌ی اصفهانی، علی. حکیم متأله بیدآبادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۱ هـ. ش.
- طهرانی، آغا بزرگ. نقباء البشر، النجف: مطبعة العلمية، ۱۳۷۳ هـ. ق.
- مهدوی، سید مصلح الدین. دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان: ثقفی، ۱۳۴۸ هـ. ش.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. الاجازة الكبيرة، قم: مكتبة المرعشی، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- مدرسی چهاردهی، نورالدین. سیری در تصوف، تهران: اشراقی، ۱۳۶۱ هـ. ش.
- شیروانی، زین العابدین. ریاض السیاحة، تهران: سعدی، ۱۳۳۹ هـ. ش.
- کثیر عزّه، دیوان شعر، قدّم له و شرحه مجید طراد، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ هـ. ق.